

پاسخ نامه پرسش های
کتاب اخلاق اسلامی محمد داوودی

Gozineha.ir

فصل اول: کلیات

۱ اخلاق چه نقشی در زندگی انسان دارد؟

روح انسان مانند جسم او سلامت و بیماری دارد. سلامت روح در گرو آراسته بودن آن به صفت های پسندیده و بیماری روحی نیز ناشی از تاثیر صفت های ناپسند در آن است.

توانایی تشخیص خوب از بد و زشت از زیب

انسان در صورتی می تواند از توانایی درک حقایق و تشخیص خوب از بد، برخوردار باشد که افزون بر داشتن سلامت جسمی، از سلامت روحی نیز برخوردار باشد.

آرامش انسان در زندگی نیز در گرو سلامت روحی اوست. بیماری های روحی مانند؛ حسادت، خود بزرگ بینی، کینه ورزی، و کفر به خدا، نیز سکون و قرار را از روح انسان می را باید.

نشاط و شادابی زندگی اجتماعی انسان تا حد زیادی در گرو اخلاقی زیستن افراد است.

در جامعه ای که اصول اخلاقی رعایت می شود، زندگی اجتماعی از نشاط برخوردار است و جامعه به راحتی می تواند به اهداف مورد نظر خود در ابعاد اقتصادی و سیاسی برسد.

۲ علم اخلاق را تعریف کنید؟

علم اخلاق علمی است که صفت های نفسانی خوب و بد (فضایل و رذایل) و اعمال و رفتار اختیاری خوب و بد و نیز شیوه تحصیل صفت های نفسانی خوب (فضایل) و انجام اعمال پسندیده و شیوه ی دوری از صفت های نفسانی بد (رذایل) اعمال ناپسند را بیان می کند.

۳ علم اخلاق با چه علوم ارتباطی دارد. چگونگی این ارتباط را توضیح دهید؟

از سوی دیگر علم اخلاق با برخی علوم دیگر مانند: فلسفه اخلاق، تعلیم و تربیت، و روانشناسی، نیز رابطه نزدیکی دارد.

علم اخلاق و علم حقوق:

این دو علم هر دو از علوم عملی اند و گزاره های آنها تجویزی است، اما با این همه تفاوت هایی نیز دارند که در اینجا برخی از آنها را به اختصار بیان می کنیم.

نخست: که دستاورد علم حقوق که به صورت قانون عرضه می شود ضمانت اجرای بیرونی دارد؛

دوم اینکه علم حقوق عهده‌دار وضع قوانینی است که روابط اجتماعی مردم را در این دنیا نظم می بخشد، از این رو به رفتارهای فردی انسانها و رفتارهای آنها در ارتباط با خدا و تنظیم این رفتارها توجهی ندارد؛

سوم آنکه هدف نهایی اخلاق این است که انسان را به کمال شایسته انسانی برساند، اما هدف حقوق تنها تأمین مصالح دنیوی افراد جامعه است و به مساله معنوی آنها توجهی ندارد

۱. علم اخلاق و فلسفه اخلاق:

گزاره های مورد بحث در علم اخلاق از نوع گزاره های ناظر به باید (گزاره های تجویزی) هستند، حال آنکه گزاره های فلسفه اخلاق گزاره هایی اند ناظر به وقایع و هست ها (گزاره های توصیفی)

بنابراین فلسفه اخلاق با علم اخلاق دو تفاوت اساسی دارد: نخستین که در فلسفه اخلاق، مفروضات علم اخلاق بررسی می شود و دیگر آن که گزاره های آن توصیفی است.

۲. علم اخلاق و تعلیم و تربیت:

هدایت بعد اخلاقی انسان به سوی رشد و کمال، در علم اخلاق و تعلیم و تربیت مشترک است و اخلاق جزئی از تعلیم و تربیت به شمار می رود.

با این همه، علم اخلاق و تعلیم و تربیت از دو جهت با یکدیگر تفاوت دارند: نخست آنچه علم اخلاق ضمن بیان چگونگی تخلق انسان اخلاق نیکو، خود را عهده دار بیان صفات و رفتارهای پسندیده و ناپسند نیز می داند، در حالی که تعلیم و تربیت به تبیین این موضوع نمی پردازد، بلکه این مقوله از اصول موضوعه آن است.

دوم: آنکه تعلیم و تربیت تنها عهده دار رشد و کمال اخلاقی انسان نیست، بلکه به دیگر ابعاد انسان مانند بعد علمی، حرفه ای و دینی نیز نظر دارد و سعی می کند انسان را در این زمینه ها نیز به کمال برساند. بدین ترتیب رابطه این دو علم، رابطه عموم و خصوص من وجه است.

۳. علم اخلاق و روانشناسی:

روانشناسی، هم شامل گزاره های توصیفی است و هم شامل گزاره های تجویزی. در مقابل علم اخلاق تنها شامل گزاره های تجویزی است بدین بیان که تنها به ما می گوید چه صفت ها و رفتارهای خوب است و با استفاده از چه روش هایی میتوان آنها را در انسان ایجاد کرد.

از سوی دیگر روانشناسی، رفتارهای انسان در حیطه های مختلف مانند رفتارهای اخلاقی، دینی، علمی، عاطفی و زیستی انسان را مطالعه کرده، از آن برای بهبود رفتارهای انسان در این زمینه ها بهره می جوید. اما علم اخلاق تنها به مطالعه بعد اخلاقی انسان و رشد و هدایت آن می پردازد.

بنابراین قلمرو روانشناسی از دو منظر وسیع تر از علم اخلاق است: نخست آنکه در روانشناسی همه ابعاد وجودی انسان بررسی می گردد؛ در حالی که در علم اخلاق تنها به بعد اخلاقی انسان پرداخته می شود.

دوم. آنکه در روانشناسی، هم گزاره های توصیفی وجود دارد و هم گزاره های تجویزی، اما در علم اخلاق تنها با گزاره های تجویزی سر و کار داریم.

گذشته از وسعت قلمرو روانشناسی، اخلاق از دو جهت به علم روانشناسی وابسته است:

نخست: در شناخت ابعاد وجودی و قوای انسان و چگونگی رفتار او، چرا که این آگاهی ها برای شناسایی صفت های پسندیده و ناپسندیده امری ضروری است.

دوم: در شناسایی راه های موثر برای ایجاد صفات پسندیده و رهایی از صفت های ناپسند .

Gozineha.ir

فصل دوم: مبانی اخلاق اسلامی

۱ در جهان بینی اسلامی هدف از آفرینش جهان هستی چیست؟

در جهان بینی اسلامی، آفرینش جهان و انسان بیهوده نبوده و خداوند هدفی داشته است که جز با اخلاقی زیستن تحقق نمی یابد.

۲ هدف از آفرینش انسان در جهان بینی اسلامی چیست؟

هدف از آفرینش جهان هستی، فراهم آمدن زمینه ی مناسب برای آفرینش انسان است.

با توجه به آیات هدف از آفرینش جان هستی، و زمین و پدیده های زمینی، فراهم شدن زمینه مناسب برای آفرینش انسان است در نتیجه مراد از آفرینش زمین و آسمان ها و هدف از آراستن زمین، آزمایش انسان است و هدف از این آزمایش نیز مشخص شدن نیکوکاران.

بنابراین مقصود از آفرینش آسمان و زمین، آفرینش انسان است و هدف از آفرینش انسان نیز آزمایش او، تا نیکوکاران از بدکاران تمیز داده شوند.

هدف نهایی از آفرینش انسان این است که زمینه ای فراهم شود تا انسان با اختیار خود به اعمال صالح روی آورند و شایسته ی دریافت رحمت الهی شوند.

۳ آیین بندگی چیست و چه ارتباطی با هدفمندی انسان دارد؟

تنها راه برای نایل شدن انسان به هدف آفرینش خود، بندگی خداست که نه ذلت انسان، بلکه اوج رفعت و عین ربوبیت اوست .

ب بیان دیگر بندگی خدا موجب می شود انسان به سرعت درجات کمال را بپیماید و حتی به مقام ربوبیت برسد.

۴ چرا انسان توانمندی اخلاقی زیستن را دارد؟

بر اساس آیات و روایات متعدد، خداوند به انسان توانایی شناخت و تشخیص حق از باطل را عطا کرده است و همچنین او را به حواس پنجگانه مجهز کرده تا دانش های مورد نیاز خود را به دست آورد.

افزون بر این ، خداوند انسان را با عقل مجهز کرده تا بتواند به باطن عالم محسوس راه یابد.

بنابراین آدمی از نظر توانایی شناخت حق از باطل و شایسته از ناشایسته، هیچگونه ضعفی ندارد؛ زیرا از حواس پنجگانه، عقل، فطرت اخلاقی و راهنمایی های پیامبران الهی برخوردار است.

۵ آیا اخلاقی زیستن با آزادی انسان در تعارض است؟

ممکن است برخی بپندارند اخلاقی زیستن به معنای چشم پوشی از بزرگترین موهبت الهی، یعنی آزادی است.

روشنروشن است که اخلاق اسلامی در صدد سلب آزادی انسان نیست، بلکه نقش اصلی اخلاق اسلامی هدایت انسان در مسیر بهره گیری درست و معقول از این موهبت عظیم الهی است تا به کمال ممکن رسد.

۶ جایگاه اخلاق در جهان بینی اسلامی چیست و چه ارتباط و نسبتی با کمال انسان دارد؟

در جهان بینی اسلامی، آفرینش جهان و انسان بیهوده نبوده و خداوند هدفی داشته است که جز با اخلاقی زیستن تحقق نمی یابد.

تخلق به اخلاق اسلامی و اخلاقی زیستن نه به معنای کنار نهادن دنیا و عزلت گزینی، بلکه به معنای استفاده از نعمت های الهی در چارچوب قواعد شرع است.

هدف نهایی زندگی، تمتع از این نعمت ها نیست؛ چرا که دنیا و نعمت های آن بستری فراهم می آورند تا وی در این دنیا در مسیر بندگی خدا که همان مسیر کمال و سعادت است حرکت کند.

فصل سوم: فضیلت های اخلاقی ایمانی

۱ فضایل و رذایل اخلاقی را تقسیم بندی کنید و برخی از مهمترین آنها را نام ببرید؟

صفات اخلاقی بیان شده در قرآن و روایات، به فضایل اخلاقی عام، ایمانی و اجتماعی تقسیم بندی می شود.

برخی از فضایل نیز به خصم قسم اختصاص ندارند و در ^۶ ارتباط های انسان با خود، با خدا و با دیگران مطرح میباشند، از این رو آنها را تحت عنوان فضایل عام مطرح می کنیم.

رذایل اخلاقی نقطه مقابل فضایل هستند و به همین جهت نباید عنوان جداگانه ای برای آنها در نظر گرفته شود.

۲ چرا فضیلت های اخلاقی مطرح شده در این فصل را فضایل اخلاقی ایمانی نامیده ایم؟

این فضیلت ها از این رو که پایه دیگر صفات اخلاقی را تشکیل می دهند، از اهمیت بیشتری برخوردارند. فضیلت های اخلاقی ایمانی صفاتی هستند که با ایمان اسلامی ارتباط وثیقی دارند، به گونه ای که بدون ایمان به خداوند طرح آنها نیز بی معنا خواهد بود.

۳ مفهوم و جایگاه فضیلت های اخلاقی ایمانی را در نظام اخلاقی اسلام بیان کنید؟

(۱) محبت خدا، پیامبر، و اهل بیت

خداوند از مومنان انتظار دارد که او و پیامبر، را از نزدیکان خود و از مال و ثروت و حتی از جان، خود بیشتر دوست بدارند.

(۲) تسلیم بودن در برابر خدا

این صفت، محوری ترین صفت مؤمن است که او را از دیگران متمایز می کند.

اساسا پیروان دین اسلام را از این رو مسلم و مسلمان می خوانند که در برابر خدای واحد تسلیم اند.

(۳) خوف و رجا (بیم و امید)

خداوند در قرآن ترس از خدا و روز قیامت، را از صفتهای متقین بر می شمارد.

(۴) توکل

توکل از ویژگی هایی است که در آیات و روایات بر آن تاکید بسیار شده است.

خداوند به کزات مومنان را به توکل بر خدا فراخوانده است.

خدا [است که] جز او معبودی نیست، و مومنان باید تنها بر خدا اعتماد کنند.

(۵) شکر

وجه تمایز زندگی انسانی از حیوانی است که خداوند خود را نیز دارای این صفت (شکر گزاری) می داند.

(۶) صبر و استقامت

بشر بدون داشتن چهار خصلت، زیانکار و بدبخت است: ایمان، عمل صالح، تشویق، و واداشتن به حق، و تشویق و توصیه به خویشتن داری و استقامت و صبر.

(۷) اخلاص

اخلاص یکی از ویژگی‌های بنیادین مومن است.

(۸) اعتدال (میانه روی)

اعتدال در اسلام جایگاهی ویژه دارد؛ تا آنجا که خداوند مسلمانان را امتی میانه و الگو برای دیگران معرفی می کند.

۴ مبنا و منشا فضیلت های اخلاقی ایمانی را توضیح دهید؟

(۱) منشأ محبت:

علمای اخلاق معتقدند منشأ همه محبت ها فطرت کمال جوی آدمی است.

انسان زیبایی، توانایی، و دانایی، را دوست دارد؛ زیرا هر یک از اینها کمال است و از جهل، زشتی، ضعف، و مانند آن نیز، بیزار است.

(۲) منشأ تسلیم و راه رسیدن به آن:

آنچه باعث می شود مومن خود را تسلیم خداوند کند و بی چون و چرا دستورهای او را بپذیرد شناخت عمیق و دقیق خداوند و محبت به اوست.

(۳) منشأ خوف و رجا:

بیم و امید لازمه جدایی ناپذیر معرفت به خداست. کسی که خداوند و صفت های او را به درستی بشناسد، ناگزیر حالت خوف و رجا نیز در او به وجود خواهد آمد.

۴) منشأ توکل:

صفت توکل در مؤمن از نوع نگرش به جهان هستی و جایگاه خدا و انسان و دیگر آفریده ها مایه می گیرد.

۵) منشأ شکر:

چرا مؤمن شکرگزار نعمت های خداوند است؟ از نظر قرآن تفاوت مؤمن و کافر در سپاسگزاری مؤمن، و ناسپاسی کافر در برابر خداوند است.

۶) منشأ صبر:

منشاء اصلی صبر در مومن ایمان و یقین به خداست.

۷) منشأ اخلاص:

سرچشمه اخلاص از یک سو پاک شدن قلب انسان از آلودگی ها، و توجه به دنیاست و از سوی دیگر رو آوردن به خدا و پر شدن قلب آدمی از محبت او.

۸) منشأ اعتدال:

اگرچه دنیا و نعمت های آن برای زندگی این جهانی امری ضروری است، ارزش و اهمیت آن نه ذاتی، بلکه عرضی است؛

بدین معنا که این نعمت ها به خودی خود ارزشی ندارند و تنها مقدمه ای هستند برای رساندن آدمی به سعادت اخروی.

۵ آثار فضیلت های اخلاقی ایمانی را با استناد متون اسلامی بیان کنید؟

۱) آثار و پیامدهای محبت:

در روایتی از امیرالمومنین علیه السلام آمده است:

محبت خدا آتشی، است که بر چیزی نمی افتد، مگر اینکه آن را می سوزاند. و نوری الهی است که بر چیزی نمی تابد، مگر اینکه آن را روشن میکند. و نسیمی الهی است که بر چیزی نمی وزد مگر اینکه آن را به حرکت در می آورد. و آبی الهی است که هر چیزی را حیات می بخشد. و زمینی الهی است که هر چیزی در آن می روید.

۲) آثار تسلیم بودن در برابر خدا:

در روایاتی از امام حسن علیه السلام آمده است:

اطاعت از خدا منشأ عزت و هیبت شمرده شده است و روایتی دیگر پیروی از خدا را سبب مطاع شدن انسان دانسته است؛

به گونه‌ای که هر آنچه بخواهد محقق میشود.

در برخی روایات نیز اطاعت از خداوند مایه رضایت خدا و بهشتی شدن انسان بیان شده است.
(۳) آثار خوف و رجا:

امام صادق علیه السلام می فرماید:

آنکه از خدا بترسد، نفسش سخاوتمندانه از دنیا چشم میپوشد.

امام علی علیه السلام نیز می فرماید:

آنکه از خدا بترسد، در صدد تشفی خشم خود بر نمی آید و ترس او از دیگران کم میشود.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

مؤمن، مؤمن نیست، مگر اینکه بیمناک و امیدوار باشد

و بیمناک و امیدوار نیست، مگر اینکه برای آنچه از آن می ترسد و به آن امیدوار است، عمل کند.

(۴) آثار توکل:

نخستین نتیجه توکل، رهایی از ترس و اضطراب و رسیدن به آرامش است.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

آنکه کارهای خود را به خداوند واگذارد در راحتی و خوشی و آرامش دائمی است.

دومین اثر توکل، بی نیازی از غیر خدا و دستیابی به عزت است.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

بی نیازی و عزت در گردش اند. پس هرگاه به توکل برسند، در آنجا ساکن می شوند.

سومین اثر توکل قدرتمندی است.

از پیامبر علیه السلام روایت شده است:

هرکه میخواهد قدرتمندترین مردم باشد. بر خدا توکل کند.

(۵) آثار شکر:

مهمترین آن افزایش نعمت، و دوام آن است

پیامبر علیه السلام می فرماید:

خداوند باب شکر را بر بنده ای نمی گشاید تا باب زیادی نعمت را بر او ببندد.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

آن را که بر تو نعمتی داده است، سپاس بگذار و بر آن که سپاس می گذارد، نعمت ده، که نعمت ها هرگاه شکرگزاری شوند، زوال نمی پذیرند و هرگاه ناسپاسی شوند، دوام نمی آورند. شکر موجب زیادی نعمت و مانع دگرگونی آنهاست.

(۶) آثار صبر:

صبر آثار ارزشمندی دارد که اولین اثر آن رسیدن به هدف، است.

از امام علی علیه السلام روایت شده:

_ صبر و استقامت، پیروزی است و شتاب کردن نیز مخاطره نمودن است.

_ صبر ضامن پیروزی است.

دومین اثر صبر، عزت و سربلندی است.

امیرالمومنین علیه السلام می فرماید:

آنکه صبر و قناعت پیشه کند عزیز و سربلند می شود.

سومین اثری که بیان شده، به دست آوردن پاداش الهی است

(۷) آثار و پیامدهای اخلاص:

یکی از آثار اخلاص این است که شخص را سزاوار پاداش های الهی و در راس آنها سزاوار بهشت می کند.

از دیگر آثار اخلاص، حکمت است یعنی علم به صلاح و فساد و اینکه چگونه رفتار کند تا به سعادت رسد.

مهمترین اثر اخلاص رساندن آدمی به سعادت است.

(۸) آثار اعتدال:

(۱) آرامش خاطر:

در روایات متعددی آمده است که دل بستگی به دنیا برای انسان دل مشغولی های بی پایان و آرزوهای

دست نیافتنی در پی

می آورد.

اما کسی که دلبسته دنیا، نباشد از این گرفتاری ها رسته است و با آرامش خاطر زندگی خواهد کرد.
(۲) دوری از گناهان:

در روایات آمده است که دلبستگی به دنیا و شهوت های دنیوی سرچشمه تمام گناهان و خطاهاست.
(۳) بی نیازی از دیگران:

کسی که در زندگی میان روی پیشه کند و از اسراف و تبذیر بپرهیزد، هیچ گاه نیازمند دیگران نمی شود.

۶ چگونه می توان صفات اخلاقی را در خود پرورش داد؟

(۱) راه رسیدن به محبت خدا و پیامبر و اهل بیت:

محبت به کمال، ریشه در فطرت آدمی دارد، از این رو به هر نوع کمالی عشق می ورزد. اما به فعلت رسیدن این ویژگی فطری نیازمند شناخت کمال و صاحبان کمال است و هر اندازه این شناخت دقیق تر و عمیق تر باشد، محبت نیست که ریشه دار تر خواهد بود.

بنابراین اولین گام برای رسیدن به محبت خدا و اولیای او، معرفت به خدا و پیامبر و اهل بیت است که برای ریشه دار شدن این شناخت تفکر در صفات آنان و آثار و نشانه های عظمت خداوند بسیار موثر است.
از این رو در روایتی از امام صادق آمده است:

خردمندان کسانی اند که در آفرینش جهان هستی و آفریده های خدا می اندیشند تا اذن محبت خدا را به ارث ببرند

(۲) راه رسیدن به تسلیم در برابر خدا:

هر اندازه شناخت انسان از خدا ظرف تر دقیق تر و فراگیر تر باشد، به همان اندازه نیز تسلیم وی در برابر خداوند نیز بیشتر است.

(۳) راه تحصیل خوف و رجا:

از این روی به هر اندازه معرفت و ایمان شخص نسبت به خدا ژرف تر باشد، بیم و امیدش نیز قوی تر خواهد بود.

راه دیگر دستیابی به صفت خوف و رجا، اندیشیدن درباره روز قیامت و حالتهای مردمان و پاداش ها و کیفرهای الهی در آن روز است.

(۴) راه رسیدن به صفت توکل:

برای ایجاد و تقویت این صفت باید معرفت و ایمان خود به قدرت و لطف خداوند را تقویت کنیم.

۵) راه رسیدن به صفت شکر:

آسان ترین راه برای شناخت نعمتهای خداوند، تفکر در جهان آفرینش و موجودات آن است و اینکه خداوند چگونه امکانات و ابزارهای لازم برای تامین نیازهای هر موجودی را فراهم آورده و منابع مورد نیاز آنها را در محیط پیرامون شان آفریده است.

۶) راه دستیابی به صفت صبر:

نخستین و مهم ترین راه برای ایجاد این صفت، تقویت یقین و ایمان به خداست.

دانشمندان علم اخلاق راه های دیگری نیز برای ایجاد و تقویت این صفت پیشنهاد کردند، نراقی پنج راه برای دستیابی به صفت صبر برشمرده است:

یک ملاحظه کردن احادیثی که درباره مصیبت ها و سختی ها و حکمت آنها وارد شده است؛

دو مطالعه احادیث که در خصوص فضیلت صبر و پیامدهای نیکوی آن در دنیا و آخرت آمده است؛

سه توجه به اینکه زمان مصیبت و بلا اندک و کوتاه است؛

چهار دانستن این نکته که جزع و بی تابی سودی ندارد؛

پنج ملاحظه کردن حال کسانی که به بلاهایی مبتلا شده و صبر پیشه کردند؛

۷) راه رسیدن به اخلاص:

برای خالص شدن چاره ای نیست جز اینکه انسان کاری کند که علاقه و محبت به دنیا در وی از میان برود و علاقه و محبت به خدا جایگزین آن شود، در این صورت هر کاری انجام دهد برای رضای خدا خواهد بود.

۸) راه رسیدن به اعتدال:

نخستین گام در این راه کسب بینش صحیح نسبت به دنیا و نعمت های آن است. اگر کسی نگرشی اسلامی نداشته باشد، نمیتواند در بهره برداری از نعمتهای دنیا به این است پایبند باشد.

دومین گام مهار کردن گرایش های طبیعی در انسان است.

سومین گام تمرین و تکرار است که موجب می شود میانه روی در استفاده از نعمتهای دنیا به طبیعت ثانویه انسان تبدیل گردد.

فصل چهارم: فضیلت های اخلاقی اجتماعی

پرسش

۱. مهمترین فضیلت های اخلاقی اجتماعی در نظام اخلاقی اسلام را نام ببرید.

(۱) احسان

(۲) عدل و انصاف

(۳) امر به معروف و نهی از منکر

(۴) اصلاح میان مردم

(۵) عفت

(۶) سخنان نیکو گفتن

(۷) عفو و گذشت

(۸) همیاری در کارهای نیک و ناهمیاری در کارهای ناپسند

(۹) اهتمام به امور مسلمانان و رسیدگی به آنها

۲. مفهوم و جایگاه فضیلت های اخلاقی اجتماعی را بیان کنید.

(۱) مفهوم و همیاری در کارهای نیک

تعاون و همیاری به معنای یاری کردن یکدیگر است.

(۲) مصداق های اهتمام به امور مسلمانان

_ برآوردن نیازهای مومن

_ رسیدگی به نیازمندان و تامین نیازهای آنان

_ کمک به درماندگان و رفع مشکلات آنها

_ خدمت به مومنان

۳. برخی از مهم ترین آثار فضیلت های اخلاقی اجتماعی را با استناد به روایات برشمرد.

آثار احسان:

۱. همراهی خداوند
۲. محبوبیت
۳. بزرگی و عظمت
۴. جلب نعمت و دفع بلا
۵. سرکوبی دشمنان و اصلاح آنان

آثار عدل:

۱. بزرگی و سروری
۲. برکت و دوام نعمت
۳. غلبه و پیروزی
۴. بهبود وضعیت مردم
۵. رواج احکام الهی
۶. رضای الهی

آثار امر به معروف و نهی از منکر:

۱. اجرا شدن دستورهای دینی و رواج آنها
۲. آبادی زمین و برقراری عدالت
۳. تقویت مومنان و تضعیف منافقان
۴. حاکمیت یافتن مومنان

اصلاح میان مردم:

امیرالمومنین علیه السلام نیز می فرماید:

اصلاح میان دو نفر برتر از یک سال نماز و روزه مستحب است.

آثار عفت:

از جمله: صفای قلب، درخشش و تیزبینی، رقت قلب و آمادگی برای درک لذت مناجات با خداوند، انکسار و تواضع و از میان رفتن حالت گردنکشی، درهم شکستن میل به گناه، دفع خواب و دوام بیداری، ونیز سلامتی بدن و دفع امراض.

آثار سخن نیکو:

۱. اصلاح رفتارهای آدمی
۲. بخشوده شدن گناهان

آثار عفو و گذشت:

۱. اجر و پاداش الهی
۲. از میان رفتن کینه ها
۳. عزت و سرافرازی
۴. طول عمر
۵. جذب مردم و اصلاح آنان
۶. جلب حمایت مردم

آثار همیاری در کارهای نیک و ناهمیاری در کارهای زشت:

مهم ترین اثری که بر این فضیلت های اخلاقی مترتب می شود

ارزش یافتن و اعتلای ارزشهای الهی و حاکمیت یافتن ایمان و عمل صالح و تقوا از یک سو، و بی ارزش شدن و از رواج افتادن رذیلت ها از سوی دیگر است.

آثار اهتمام به امور مسلمانان:

_در روایاتی از پیامبر آمده است:

کسی که زیان آبی یا آتشی را از گروهی از مسلمانان برگرداند، بهشت بر او واجب می شود.
کسی که نیازی از مؤمن را برآورده کند، خداوند نیازهای بسیاری از وی را برآورده میسازد که کمترین آنها [ورود به] بهشت است.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

کسی که در پی برآوردن نیاز برادر مؤمن خود باشد، خداوند نیز تا هنگامی که وی در این کار است، در پی تأمین نیازهای اوست.

۴. منشا فضیلت های اخلاقی اجتماعی را بیان نمایید.

منشا احسان:

اسلام در اولویت بندی احسان به دیگران والدین را در اولویت نخست و پس از آن خویشاوندان و در رتبه سوم احسان به دیگران را قرار داده است.

در این روایت نیز امام همدردی مومنان به یکدیگر را ناشی از داشتن یک پدر و مادر می دانند.

منشا عدل:

انسان فطرتاً شیفته عدل و داد است و زبیداد و ستم بیزار، اما با این وجود موانع تحقق عدالت بسیار است.

یکی از مهمترین موانع عدالت ورزی گرایش های نفسانی است.

مانع دوم عدالت ورزی رابطه خویشاوندی و دوستی است.

سومین مانعی که در قرآن بیان شده دشمنی و خصومت است.

مفهوم امر به معروف و نهی از منکر:

معروف در لغت به معنای شناخته شده است. منکر نیز در لغت به معنای ناشناخته است.

در نظام اخلاقی اسلام معیار پسندیده و ناپسندیده بودن رفتار، منابع دینی است. امر به معروف عبارت است از ارشاد به راههای رشد و نجات بخش و نهی از منکر عبارت است از منع از آنچه با شریعت موافق نیست.

سرچشمه های عفت:

یک. عقل و خرد: کسی که خردمند و عاقل است، عفت می ورزد.

دو. خودشناسی: برای کسی که خود را شناخته، شایسته است ملازم قناعت و عفت باشد.

سه. قناعت: راضی بودن به مقدار کفایت به عفت می انجامد.

چهار. غیرت: عفت مرد به اندازه غیرت اوست.

منشا عفو:

انسان به صورت طبیعی بدی را به بدی پاسخ می دهد و نیکی را به نیکی.

یکی از علل عفو و گذشت را دستیابی به عفو و رحمت الهی می داند. خداوند اعتقاد به معاد را عامل عفو و گذشت می شمارد.

این آیه نیز یکی از دلایل عفو و گذشت را بیان می کند و آن اینکه خداوند در روز قیامت سزای رفتارهای زشت کاران را خواهد داد.

امام علی منشا عفو و گذشت را دو چیز می داند:

۱. مردم یا برادران دینی یکدیگرند یا هم نوع، و همین اقتضا دارد تا جایی که ممکن است از خطاهای یکدیگر چشم بپوشند.

۲. انسان همواره در معرض لغزش و خطا است. به همان سان که خداوند از خطاهای ما می گذرد، بندگان او نیز باید از خطاهای یکدیگر در گذرند.

منشاء همیاری:

مراد از همیاری در کارنیک، همیاری در ایمان و عمل صالح رعایت تقوای الهی است و مراد از کار زشت و تعدی نیز تمام کارهایی است که آدمی را از رسیدن به سعادت الهی باز می دارد.

سرچشمه های اهتمام به امور مسلمانان:

از دیدگاه اسلام مومنان همگی فرزندان یک پدر و مادرند و رابطه آنها رابطه برادری است، از این رو با یکدیگر مهربان و در مشکلات یارو یاور یکدیگرند.

۵. راه و روش آراسته شدن به فضیلت های اجتماعی را توضیح دهید.

راه نیکوکار شدن:

احسان به دیگران از دو چیز مایه می‌گیرد: نخستین احسانی که دیگران به شخص کرده‌اند و دوم هم نوعی و ریشه در پدر و مادر واحد داشتن.

برای رسیدن به مقام احسان می باید نخست به منشا احسان یعنی ولی نعمتی و هم نوعی دیگران توجه یافت و سپس مانع احسان، یعنی تکبر و غرور را از میان برداشت.

راه عادل شدن:

برای دستیابی به عدالت رعایت دو نکته ضروری می نماید: نخست شناختن حقوق دیگران؛ زیرا چنانکه پیشتر گفته شد عدالت به معنای رعایت حق دیگران است. دوم، غلبه بر موانعی که در مسیر عدالت ورزی وجود دارد، این نیازمند تمرین و تکرار است.

راه و روش امر به معروف و نهی از منکر:

امر به معروف و نهی از منکر مراتبی دارد:

۱. انکار قلبی: چه کاری انجام دهد که نشان دهنده انزجار قلبی او از کار ناپسند است.

۲. امر و نهی زبانی: در صورتی که امر و نهی پیشین موثر واقع نشد، می باید وی را با گفتار از کار ناشایست بازدارد و به کار نیک امر کند.

۳. امر و نهی عملی: در این مرحله شخص می تواند با اعمال قدرت فرد را از کار زشت باز داشته و به کار نیک وادارد.

راه رسیدن به صفت عفت:

راه مقابله با غلبه شهوت خوردن و آشامیدن، آن است که شخص در آثار سوء زیاده‌روی و خوردن و آشامیدن تامل کند.

روش مقابله با سلطه شهوت جنسی آن است که نخست شخص در آثار و پیامدهای سوء آن بیندیشد. دوم از عوامل تحریک و تشدید کننده شهوت جنسی دوری کند و سوم آنکه در صورت ضرورت شهوت جنسی را با گرسنگی تضعیف کند.

راه نیکو سخن گفتن:

مهم ترین و کارآمدترین شیوه برای مهار زبان آن است ست که پیش از سخن گفتن باید درباره آن اندیشید تا روشن شود آیا سخن مورد نظر نیکوست یا این که پیامد زیانباری دارد. در روایتی از امام علی آمده است: زبان عاقل پشت قلب او، و قلب احمق پشت زبان اوست.

راه رسیدن به همیاری:

بهترین راه برای زدودن موانع همیاری در نیکی ها و ناهمیاری در زشتی ها آن است که آدمی بداند خداوند سرچشمه عزت و سربلندی و خیر است و اگر کسی بخواهد به آن دست یابد باید به دستورهای خداوند سر بسپرد.

راه و روش اهتمام به امور مسلمانان:

اهتمام به امور مسلمانان صورت واحدی ندارد، اگر مومن بر حسب توانایی ها و محیط خود می تواند و باید به این وظیفه عمل کند؛ به عنوان مثال دانشمندان و نویسندگان با بیان و قلم خود و ثروتمندان با اختصاص بخشی از درآمدها به فعالیت های خیریه.

فصل پنجم: آشنایی با برخی رذایل اخلاقی

۱. گناه چیست و چه آثاری در پی دارد؟

گناه معادل ذنب در زبان عربی است. ذنب در اصل به معنای دنباله است و از این رو چنین نام گرفته که اگر کسی مرتکب آن شد، مذمت و کیفر نیز به دنبال آن خواهد آمد. بدین ترتیب، گناه عملی است که دو چیز را در پی دارد: سرزنش مردم و کیفر. آثار گناه:

۱. فاسد شدن قلب

۲. دچار شدن به گرفتاری و مصیبت

۳. حبط عمل

۴. کفر به خداوند

۲. انواع گناهان را بیان کنید.

گناهان به دو دسته ی کبیره و صغیره تقسیم می شود. گناهان کبیره کیفرشان آتش جهنم است و گناهان صغیره نیز کیفرشان چیزی کمتر از آتش جهنم.

در برخی روایات گناهان کبیره شمارش شده اند؛ کشتن انسان بی گناه، عاق والدین، رباخواری، تهمت زدن به زنان پاکدامن، خوردن مال یتیم، فرار از جنگ، ترک نماز بدون دلیل موجه، شرک به خدا، ایمن دانستن خود از مکر خداوند، ناامیدی از رحمت خداوند، شراب خواری، زنا، قطع رحم، خیانت و مکرو فریب، شهادت دروغ، کتمان شهادت، پیمان شکنی و ... که مرتکب آنها مستحق آتش جهنم است.

۳. سرچشمه ارتکاب گناهان کدام است و چگونه می توان از گناهان دوری کرد؟

دانشمندان اخلاق، شهوت و غضب را دو عامل اصلی روی آوردن انسان به گناهان می داند. در برخی آیات نیز پیروی از هوای نفس منشاء گناهان شمرده شده است.

در برخی دیگر از آیات افراد در دنیا خواهی و فریفتگی دنیا و نعمت های آن و فریب خوردن از شیطان منشا گناهان به شمار آمده است.

غفلت از خدا و فراموش کردن خویشتن خویش نیز از عوامل ارتکاب گناهان است.

بدین ترتیب فراموش کردن خدا منشاء خود فراموشی و این دو منشاء فسخ و بیرون رفتن از ساحت عبودیت و اطاعت الهی است.

راه های دوری از گناهان:

۱. یاد و توجه به او
۲. اعتراف به گناهان و پشیمانی از آنها
۳. یاد مرگ
۴. تنفر از گناهان
۵. توجه داشتن به ماندگاری پیامدهای گناه

۴. هوای نفس چیست و پیروی از آن چه آثاری دارد؟

«هوی» در زبان عربی به معنای میل و گرایش است و «نفس» نیز به معنای خود. بنابراین هوای نفس میل ها، خواهش ها و گرایشهای است که در انسان وجود دارد.

آثار پیروی از هوای نفس:

۱. گمراه کردن انسان
۲. خواری و رسوایی
۳. سختیها و مشکلات
۴. ضعف اراده
۵. نابود شدند این فرد و خود او

۵. منشور پیروی از هواهای آن و راه مبارزه کردن با آن را بیان کنید.

انسان به صورت طبیعی تابع خواهش ها و امیال خویش است. البته تمایل به خواسته های نفسانی و تن دادن به این گرایش ها و منها به صورت کلی مذموم نیست، برای پیروی از آنها در صورتی ناپسند است که از حدود دستور های الهی فراتر روند.

بر اساس آموزه های دینی، بهترین روش برای مهار خواسته های ناپجا نفس، برآورده نکردن و مقاومت در برابر آن ها است.

۶. حدود خشم را بیان کرده، آثار آن را با استناد به روایت توضیح دهید.

خشم امری مطلوب است که در مسیر صحیح و برای رسیدن به هدفهای مقدس به کار گرفته می شود. خشمگین شدن و جنگ کردن با کسانی که به مال و ناموس یا سرزمین مسلمانان تجاوز کرده اند، خشم مقدس و از نظر اسلام مطلوب و ارزشمند است تا جایی که اسلام کسی را که در این راه کشته شود، شهید می داند.

خشم از آن جهت که قدرتی در اختیار انسان است، نه مذموم است و محمود. آنچه سبب پسندیده یا ناپسند بودن آن می شود، چگونگی استفاده از آن است.

آثار غضب:

۱. نابود کردن ایمان: خشم ایمان را نابود می کند چنانکه سرکه عسل را.

۲. نابود کردن عقل: غزل مرکب سبک سری است. آنکه خشم خود را مهار نکند، عقل خود را از دست میدهد.

۳. از بین بردن ادب: با خشم ادبی نمی ماند.

۴. آشکار کردن عیبهای آدمی: خشم همراه بدی است؛ اینها را آشکار و بدیها را نزدیک و خوبی را دور میکند.

۵. بیدار کردن کینه های خفته: خشم کینه های خفته را بیدار می کند. امام علی

۶. ایجاد ناراحتی و فشار روانی: آنکه بر کسی خشم بگیرد که توانایی ضربه زدن به او را ندارد، ناراحتی طولانی برای خود می خرد و خود را عذاب میدهد. آنکه بر کس خشم می گیرد که از او تواناتر است، این خشم را با خود به گور می برد. خشم کلید همه بدی ها و شرور است. از همه فضیلت ها چیرگی بر خشم و میراندن شهوت است. مبدا خشم بر بردباری ات چیره شود.

۷. راه مبارزه با خشم را به اختصار بیان کنید.

در متون دینی دو راه برای مهار خشم بیان شده است، نخست اینکه اگر فرد خشمگین ایستاده است، بنشیند و اگر نشسته است، دراز بکشد.

راه دوم که شیوه اصلی مبارزه با خشم است، فرو بردن خشم و بردباری در برابر آن می باشد.